

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

فرستنده: یک هوادار- گرفته شده از: روشنگر ۳۵
نویسنده: بنفشه کمالی

کمون پاریس، مبارزه بی امان کارگران انقلابی پاریس علیه ورسای ضد انقلابی

باید از ریشه بر اندازیم

کهنه جهان جور و بند

و آنگه، نوین جهانی سازیم

هیچ بودگان هر چیز گردند

روز قطعی جدال است

آخرین رزم ما

انترناسیونال است

نجات انسانها

- بخشی از سرود انتر ناسیونال

شعر اوژن پواتیه (نجار فرانسوی)

هر بار که مشغول مطالعه متون و کتابهای نوشته شده در باره قیام شکوهمند کارگران پاریس و تشکیل کمون پاریس، اولین حکومت کارگری میشوم و در نهایت به در هم شکستن آن توسط بورژوازی فرانسه و همدستانش (باوجود اینکه بارها و به کرات در مورد این واقعه تاریخی مطالعه کرده ام) فکر میکنم، هر بار خواندن روند حوادثی که به کمون پاریس انجامید، برایم اهمیت و ارزش تاریخی این اولین تجربه پرولتاریای جهان در پاریس را صدچندان میکند. در عین حال تحسین و شگفتی بیش از حدی نسبت به مقاومت کمونارها و اعتقاد خدشه ناپذیری در من به پیروزی حتمی کمونیسم به وجود می آورد.

تحسین نسبت به و یادگیری از کمون پاریس و به کار بستن درسهای گرانبهای آن از یکطرف و از طرف دیگر خشمی عظیم علیه سر کوب کنندگان کمون و اندوه فراوان برای سرنوشت کمونارها در من به وجود میآید. این احساسات گوناگون همزمان در درون من زنده میگردند و وجود دارند. اما احساس اصلی حاکم بر من، احساس

شادی و شرف و وصف ناپذیر و افتخار به کمونارها به خاطر تحقق بخشیدن به این حادثه کم نظیر میباشد. افتخار به وجود اولین کارگرانی که دولت خویش را، اولین دولت کارگری را به وجود آوردند و برای تمامی کارگران و کمونیستها در سراسر جهان درسهای گرانبهائی به جا گذاشتند.

در ۱۸ مارچ ۱۸۷۱ کارگران و زحمتکشان پاریس توانستند با نبردی بی امان و با فداکاری و شور و شوقی بی نظیر در مقابل بورژوازی فرانسه که تا به دندان مسلح بود، قدرت را به دست گرفته و در ۲۸ مارچ ۱۸۷۱ اولین دولت کارگری را به نام جاودانی "کمون پاریس" تأسیس نمایند. در به انجام رساندن این واقعه تاریخی، زنان کارگر پاریسی نقش بسیار مهم و ارزنده ای داشتند.

در کتاب جاودانه مارکس به نام "مبارزه طبقاتی در فرانسه" او در باره این واقعه بزرگ نوشت:

"در سپیده دم ۱۸ مارچ، پاریس با شنیدن فریاد رعد آسای زنده باد کمون از خواب بیدار شد. ببینیم این کمون چگونه چیزی است؟ این ابولهلوی که شنیدن نام آن خاطره بورژواها را آشفته میسازد چیست؟ در بیانیه ۱۸ مارچ کمیته مرکزی چنین آمده است:

"پرولتاریای پایتخت که شاهد ناتوانائیها و خیانتهای طبقات حاکم بودند، در یافتند که ساعت موعود برای آنکه آنان با به دست گرفتن زمام امور، کشور را از وضع فعلی برهانند فرا رسیده است. پرولتاریا دریافت که وظیفه اجتناب ناپذیر و مطلق اوست که سرنوشت خویش را به دست گیرد و با تملک قدرت، پیروزی این سرنوشت را تضمین کند.

فرارسیدن زمینه های این قیام در دوران جنگ فرانسه با پروس فراهم شده بود. روز ۲۸ جنوری ۱۸۷۱ شهر پاریس در برابر فشار نیروهای آلمانی به فرماندهی بیسمارک سقوط کرد. کارگران و زحمتکشان پاریس برای دفاع از شهر درارگانی به نام گارد ملی متشکل و مسلح شده بودند. ولی بعد از سقوط پاریس در برابر نیروهای پروسی، حکومت جمهوری فرانسه در صدد خلع سلاح کارگران و زحمتکشان پاریس برآمد.

کارگران و نیروهای مسلح متشکل درگارد ملی از خلع سلاح شدن امتناع ورزیدند و دست به دابر کردن دولت مورد نظر خود (کمون پاریس) زدند. متأسفانه عمر این اولین دولت کارگری بسیار کوتاه بود و از ۱۸ مارچ ۱۸۷۱ تا ۲۹ می همان سال بیشتر ادامه پیدا نکرد و به طرز ددمنشانه ای مورد هجوم نیروهای مسلح بورژوازی (ورسای) قرار گرفت و در یک نبرد سخت و نابرابر توسط نیروهای ضد انقلاب به خاک و خون کشیده شد.

کمونارهای دلیر تا آخرین لحظه باجنگ و دندان از انقلاب و دولت کارگری دفاع کردند. زن، مرد و کودک، قهرمانانه در خیابانها و کوچه های پاریس سنگر ساختند، به مصاف با بورژوازی تاندان مسلح شده رفتند.

زنان با شجاعت و دلاوری های بی نظیری نقش زیادی در پیروزی کمون پاریس ایفاء کردند. صد هانفر از آنها زن و مرد و کودک در گورستان "پرلاشز" در پاریس در پای دیواری که به نام دیوار کمونارها معروف است با گلوله های نیروهای ارتجاعی دولت فرانسه اعدام شدند. در مجموع بیش از هزاران نفر از کارگران، زحمتکشان و انقلابیون پاریس و مدافعان کمون پاریس در این نبرد نابرابر به دست نیروهای ارتجاع به خاک و خون کشیده شدند و هزاران نفر دیگر که به اسارت درآمدند و بعد از شکنجه ها و تحمل سختی های فراوان به مناطق مستعمره فرانسه تبعید شدند.

"جنگ داخلی در فرانسه" گنجینه عظیمی برای درک کمون پاریس و درسهای تاریخی آن میباشد. مارکس به اهمیت "انترناسیونالیستی" کمون در بخش دیگری از این کتاب تأکید کرده و نوشته "کمون در عین حال حکومت کارگری و از این بابت، آن حکومت انترناسیونالیستی به معنای کامل کلمه بود. در زیر نظارت ارتش پروس که دو ایالت فرانسوی را به المان ملحق کرده بود، کارگران سراسر جهان را به کارگران فرانسوی می پیوست، کمون

نیز حضور اتباع بیگانه را در صفوف خود برای کسب افتخار مردن در راه آرمانی جاودانه پذیرفته است . (مارکس جنگ داخلی در فرانسه)

برای مارکس کمون پاریس شکل مقدماتی حاکمیت طبقه کارگر یعنی دیکتاتوری پرولتاریا بود و نشان دهنده قهر انقلابی محرومان در برابر ستم گران، استثمارگران و دشمنان آزادی بود.

کارهای اساسی کمون به اختصار: فرمان لغو ارتش و پلیس دائمی و ژاندارمری. تنها نیروی مسلح ملیشایی بود که متشکل از کارگران، زحمتکشان و نیروهای انقلابی میشد. فرمان مصادره اموال کلیساها و استفاده از کلیساها به عنوان محلی برای جلسات سیاسی، فرمان تحصیل مجانی. اصل انتخابی بودن همه کارمندان دولتی و عزل و نصب آنها در هر زمان و به اراده شورای کمون. سوزاندن واز بین بردن وسایل گیوتین و شکنجه.

لغو حکم اعدام. جدائی دین از حکومت و مدرسه، آزادی بی قید و شرط . سطح دستمزدها به سطح دستمزد کارگران رسید. کمون از مشاوران شهری که با رأی عمومی مردم در نواحی گوناگون برگزیده می شدند تشکیل می شد. این افراد در هر لحظه باید پاسخگو می بودند و مقامشان پس گرفته می بود. اکثریت اعضای شورای کمون از کارگران، یا نمایندگان سرشناس طبقه کارگر بودند.

بالاتر و مهمتر از همه این بود که طبقه کارگر برای اولین بار سیستم حکومتی خویش را بنیان نهاد و تجربه کرد. در عین حال به نیرو، توان و قدرت بی نظیر خود واقف گشت و پرچم سرخ انقلاب پرولتری را برافراشت. پرچم کمون پرچم جمهوری جهانی است . یاد و درسها و خاطره کمون پاریس ، اولین دولت کارگری گرامی باد .